

وضعیت الگوی حکمرانی خوب در گفتمان‌های اصول‌گرای عدالت خواه و اصلاح طلبی، سالهای ۱۳۹۲-۱۳۷۶ (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت)^۱

حسن رضائی^۲

محمد توحیدفام^۳

احمد بخشایش اردستانی^۴

حسین تفضلی^۵

چکیده

الگوی حکمرانی خوب از جمله رویکردهای نوین به توسعه است که زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم سالارانه می‌باشد. از ویژگی‌های اصلی این الگو می‌توان به «پاسخگویی دولت به شهروندان»، «حاکمیت قانون»، «مردم‌سالاری»، «مشارکت»، «حق انتخاب» و... اشاره داشت. در این الگو صاحبان اصلی قدرت، مردم هستند.

این مقاله می‌کوشد با روش تجزیه و تحلیل کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای- اسنادی، وضعیت حکمرانی خوب در گفتمان‌های اصول‌گرای عدالت‌خواه و اصلاح‌طلبی را بررسی و به مقایسه و تحلیل محتوای شاخص‌های حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت در آن گفتمان‌ها بپردازد. شایان ذکر اینکه گفتمان‌های یاد شده در قالب رویکرد نظری نهادگرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوال اصلی پژوهش این هست که «وضعیت حکمرانی خوب در گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرای عدالت‌خواه چگونه بوده است؟». فرضیه اصلی این مقاله بیان می‌دارد که «به نظر می‌رسد شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت) در گفتمان اصلاح‌طلبی بر توسعه سیاسی و در گفتمان اصول‌گرای عدالت‌خواه بر عدالت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. h.rezaei2377@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) tohidfam_m@yahoo.com

۴. استاد گروه اندیشه سیاسی در اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ir

۵. استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Hosein.Tafazoli@iauctb.ac.ir

اجتماعی تاثیرگذار بوده است.». یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد دولت‌های هفتم و هشتم شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی) را مورد توجه و تاکید قرار داده و با اجرای برنامه‌ها و توسعه سیاسی، این شاخص‌ها تقویت و تاثیر مثبت در جهت تحقق حکمرانی خوب داشته است. این در حالی است که در دولت‌های نهم و دهم به رغم زمینه‌های موجود در جهت تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت)، با توجه به رویکرد حاکم در این دولت‌ها تاثیر مثبتی در تحقق مولفه‌های حکمرانی خوب نداشته و از این رو وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب مطلوب نبوده است. ولیکن برنامه‌ها و فعالیت‌های انجام شده در آن مقطع منجر به تاکید بر اجرای عدالت بعنوان یکی از مشخصه‌های حکمرانی خوب گردید.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت، اصلاح طلبی، اصولگرایی عدالت خواه

مقدمه و بیان مسئله

از سه دهه پیش موضوع حکمرانی خوب بطور جدی مورد توجه محافل علمی و اجرایی کشورهای مختلف جهان قرار گرفته؛ این الگو از سوی بانک جهانی و سازمان‌های بین‌المللی برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه ارائه شده است. حکمرانی خوب مفهومی پیچیده می‌باشد و در هر کشور براساس اقتضانات و نیازهای نهادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن کشور، می‌تواند پیاده‌سازی شود.

کشور ما از جمله کشورهای در حال توسعه می‌باشد و توسط سازمان‌های بین‌المللی، در زمینه وضعیت و کیفیت شاخص‌های حکمرانی خوب، مورد ارزیابی قرار گرفته بطوری که در برخی موارد از حیث کیفیت حکمرانی ضعیف ارزیابی می‌شود، بنابراین بررسی و تحلیل وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب از جمله؛ شاخص‌های حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت ضروری به نظر می‌رسد تا زمینه ساز بهبود کیفیت حکمرانی و تقویت شاخص‌های مطرحه باشد.

به نظر می‌رسد شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان تجربه مشترک بشری، با مبانی دینی حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران (مردم سالاری دینی) منافاتی نداشته و سازگاری دارند. لذا می‌توان گفت دولت‌هایی که در جهت ارتقاء شاخص‌های حکمرانی خوب در نظام جمهوری

اسلامی ایران تلاش نموده و گام برداشته اند از مطلوبیت و موفقیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. بدین منظور در این تحقیق ابتدا به مرور پیشینه پژوهش پرداخته خواهد شد؛ سپس مبانی نظری و شاخص‌های حکمرانی خوب بیان می‌شوند؛ پس از آن حکمرانی خوب در دوره گفت‌وگوهای اصلاح‌طلبی (سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶) و حکمرانی خوب در دوره گفت‌وگوهای اصول‌گرای عدالت‌خواه (۱۳۹۲-۱۳۸۴) و در نهایت تحلیل محتوای شاخص‌های حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت در آن گفت‌وگوها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

با وجود پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص حکمرانی خوب و علی‌رغم طرح این نظریه از دهه ۱۹۹۰ در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی، اما کمتر حرکت جدی در راستای تحقق شاخص‌های آن در ایران از سوی تصمیم‌گیران سیاسی انجام شده است. بطوریکه اقدام در خوری درباره تبیین موضوع، بومی‌سازی و بررسی رابطه الگوی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن با نظام سیاسی حاکم در جمهوری اسلامی ایران به عمل نیامده است.

از آنجا که کشور ما جزو کشورهای در حال توسعه می‌باشد و توسط سازمان‌های بین‌المللی در زمینه شاخص‌های کیفیت حکمرانی ارزیابی می‌شود، بررسی وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در گفت‌وگوهای اصول‌گرای عدالت‌خواه و اصلاح‌طلبی می‌تواند کمک مناسبی در شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها و نیز راهگشای دولت‌های آینده باشد.

سؤال اصلی پژوهش این هست که «وضعیت حکمرانی خوب در گفت‌وگوهای اصول‌گرای عدالت‌خواه و اصلاح‌طلبی چگونه بوده است؟». فرضیه اصلی این مقاله بیان می‌دارد که: «به نظر می‌رسد شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت) در گفت‌وگوهای اصول‌گرای عدالت‌خواه بر عدالت اجتماعی و در گفت‌وگوهای اصلاح‌طلبی بر توسعه سیاسی تاثیرگذار بوده است.»

در این مقاله ابتدا با مروری بر پژوهش‌های انجام شده، مبانی نظری حکمرانی خوب، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در گفت‌وگوهای اصول‌گرای عدالت‌خواه و اصلاح‌طلبی بررسی و در خاتمه تحلیل محتوای شاخص‌های حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت در دولت‌های پیش‌گفت انجام می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

عمده پژوهش‌های انجام شده در خصوص حکمرانی خوب به دهه‌های اخیر بازمی‌گردد. به همین نسبت در خصوص سنجش و وضعیت الگوی حکمرانی خوب در دولت‌های مستقر در جمهوری اسلامی از جمله گفتمان‌های اصولگرای عدالت خواه و اصلاح طلبی مطالعات قابل توجهی انجام نشده است.

در ادامه پژوهش‌های موجود که ارتباط با پژوهش حاضر را داشته، می‌توان به شرح زیر عنوان کرد.

- ابوالفتحی و قنبری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی موانع و راهکارهای تحقق حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر سرمایه اجتماعی در سطح کلان»، مطرح نموده‌اند که این مقاله در صدد تبیین حکمرانی خوب و موانع پیش‌روی آن در ایران از منظر سرمایه اجتماعی است و یافته‌های پژوهش این است که از عمده‌ترین موانع فراروی عدم تحقق حکمرانی خوب و افول سرمایه اجتماعی در ایران ماهیت ساختار و عملکرد دولت و عمده‌ترین آن مربوط به تمرکزگرایی در ساختار سیاسی کشور است.

- امامی و شاکری (۱۳۹۵) در مقاله «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی اقدام نموده و یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی مورد تاکید بوده و دارای فراز و فرودهایی است، اما پیاده سازی آن مستلزم مدل بومی در کشور است.

- گرائیلی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «فرهنگ سیاسی نخبگان و حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی دولت اصلاحات» در بررسی خودشان با تاکید بر فرهنگ سیاسی نخبگان در دولت اصلاحات، به وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در آن مقطع پرداخته و یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که بهبود وضعیت کمی و کیفی شاخص‌های حکمرانی خوب در این دوره، گویای تاثیر گفتمان و فرهنگ سیاسی دموکراتیک نخبگان در نهادینگی آن است. بطوری که در این دوره نسبت به دوره‌های قبل بر شاخص‌های حکمرانی خوب تاکید شده و در سیاست عملی دولت نیز نمود پیدا کرده است.

- بهمنی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی عملکرد دولت اصلاحات براساس شاخص‌های

حکمرانی خوب» نویسندگان این پژوهش بر این اعتقادند که عملکرد دولت اصلاحات براساس شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد. یافته مقاله این است که کیفیت حکمرانی خوب در دولت اصلاحات اگرچه مطابق با شاخص‌های جهانی نبوده ولیکن دولت با ساختار خاص خود در ایران- به عنوان نهاد اجرایی- در مقایسه با دولت‌های دیگر پس از انقلاب، بصورت نسبی در شاخص‌های حکمرانی، توفیق نسبی داشته است.

در مجموع تفاوت پژوهش حاضر با آثار مرتبط پیشین این است که با وجود پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص حکمرانی خوب و علی‌رغم طرح این نظریه از دهه ۱۹۹۰ در حوزه‌های مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی و علوم سیاسی، پژوهش‌های قابل توجهی به منظور بررسی و ارزیابی حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن در دولت‌های تشکیل شده پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی انجام نشده است. اندک پژوهش‌های انجام شده نیز یکی از دولت‌ها را بصورت موردی بررسی نموده و فاقد جنبه همه شمولی بررسی عملکرد دولت‌ها از حیث برنامه محوری و عملکرد می‌باشد.

بنابراین در این پژوهش، ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در دولت‌های هفتم تا دهم نقش به‌سزایی در جهت تقویت مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایفا می‌نماید. همچنین نکته تمایز این مقاله نسبت به پژوهش‌های انجام شده در این است تا با شناسایی نقاط ضعف و قوت آنها در زمینه توریک، تلاشی را برای ارتقاء شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران فراهم نماید.

۳- ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

۳-۱. نهادگرایی

نهادگرایی به‌عنوان رهیافتی برای تحلیل سیاسی، سابقه‌ای به درازای تاریخ اندیشه سیاسی دارد و باید آن را با سابقه‌ترین الگوی تحلیل سیاسی به شمار آورد. نهادها اکنون در کانون هر نظریه پردازی و تبیین در علوم اجتماعی قرار می‌گیرند و تحلیل‌گرانی که در عرصه‌های مختلف کار می‌کنند اهمیت فراوان آرایش‌های نهادی برای برآیندهای سیاسی و اجتماعی را تصریح می‌کنند و بر آن تاکید دارند (پیرسون، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

از چشم انداز تاریخی در یک تقسیم‌بندی کلی، نهادگرایی به دو دسته کلی نهادگرایی کلاسیک

و نهادگرایی نوین تقسیم می‌شود. رویکرد اساسی نهادگرایان کلاسیک تصور رابطه‌ای علی میان چارچوب‌های نهادی و قانونی رسمی و رفتار سیاسی می‌باشد. از این رو فرض اساسی نهادگرایان کلاسیک در طراحی یک دموکراسی کارآمد، آن است که تحقق یک حکومت نمایندگی پایدار تنها بر ترتیب درست نهادهای رسمی و خوش اقبالی منطقی در حیات اقتصادی و موضوعات نهادی متکی است و یک ساختار خوب حتی در شرایط فقدان خوش اقبالی نیز کار می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۳). نهادگرایی کلاسیک در حوزه سیاسی با یک جهت‌گیری غیرتئوریک و صوری در تحلیل سیاسی، عمدتاً تلاشی برای توصیف نهادهای سیاسی عمده و مقایسه این نهادها در کشورهای مختلف بود. بنابراین سیاست و رفتارهای سیاسی در تحلیل کلاسیک نهادگراییانه به عنوان مقوله‌ای تحت تاثیر علی نهادها در نظر گرفته می‌شود.

در مقابل نظریه پردازان نهادگرایی جدید با پذیرش چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک، تلاش می‌کنند تا ضمن استفاده از ابزارهای رایج اقتصاد نئوکلاسیک، بویژه تحلیل نهایی، با ادغام تحلیل‌های نهادی در تحلیل‌های نئوکلاسیک، تبیینی جامع‌تر ارائه دهند. در همین رابطه دیویس و نورث دو اقتصاددان نهادگرایی جدید، توجه محققان را به سمت «محیط نهادی» فعالیت‌های اقتصادی جلب نمودند و از نظر آنها «محیط نهادی» عبارت است از مجموعه قواعد اساسی سیاسی، اجتماعی و حقوقی که مبنای تولید، مبادله و توزیع قرار می‌گیرند.

نظریه نهادگرایی نئولیبرالیستی را می‌توان زیربنای تئوریکی برای درک حکمرانی خوب دانست. این نظریه به تجزیه و تحلیل چگونگی «تاثیر نهادهای بین‌المللی بر رفتار کشورها»، «شکست و ناکامی‌های اقتصاد آزاد» و «عدم درک منفعت‌های متقابل از همکاری» می‌پردازد. صاحب‌نظران این دیدگاه اعتقاد دارند که نهادهای بین‌المللی فرصت‌هایی را خلق می‌کنند که هر کشوری به تنهایی قادر به انجام آن نیست و ارائه برنامه‌ای همچون حکمرانی خوب در ساختار جهانی از همین مسئله نشأت می‌گیرد. از این رو چارچوب فعلی سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی که بر اساس نهادگرایی لیبرالی استوار است با شاخص حکمرانی خوب برای حل مسائل اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به کمک آنها می‌شتابد. (مقدری، ۱۳۹۵: ۱۰۹)

۲-۳. حکمرانی

از نظر تاریخی، موضوع حکمرانی در دهه ۱۹۸۰ و با اعمال نفوذ از سوی برخی نهادهای قدرتمند بین‌المللی و در جریان اعطای کمک‌های توسعه‌ای که از سوی نهادهای بین‌المللی یا کشورهای شمال (توسعه‌یافته) به کشورهای جنوب (در حال توسعه) اعطا می‌شد، طرح شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۴۸۷). کافمن حکمرانی را «مجموعه سنت‌ها و نهادهایی تعریف کرده‌اند که بر اساس آن، اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود». این مجموعه عبارتست از: ۱- فرایندی که بر اساس آن، حاکمان انتخاب می‌شوند، بر آنها نظارت می‌گردد و تغییر می‌کنند؛ ۲- ظرفیت حکومت برای اینکه سیاست‌های درست را به گونه‌ای کارآمد تدوین و اجرا کند و ۳- احترام شهروندان به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آنها را اداره می‌کند (Kaufman, 1991 : 1). همچنین به بیان توماس ویس، «حکمرانی در تعامل دولت و جامعه مدنی معنا پیدا می‌کند و علاوه بر اینکه نهادهای حکومتی را در بر می‌گیرد، نهادهای غیردولتی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. در نتیجه جامعه مدنی که کنشگران سیاسی درون آن فعالیت و آن را در برابر دولت حفظ می‌کنند، اهمیت زیادی دارد» (weiss, 2000 : 795).

۳-۳. حکمرانی خوب

ایده حکمرانی خوب برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی مطرح شد و به تدریج به سایر علوم گسترش یافت. این الگو مشکل توسعه‌نیافتگی را نهادهای نامناسب در حوزه حکمرانی می‌داند. به عبارتی نقد سیاست‌های تعدیل و گسترش اقتصاد نهادگرایی در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری جهانی به حکمرانی خوب رسیده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۴).

بر اساس تعریف برنامه توسعه عمران سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب عبارت است از «مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری» (report on sub-saharan Africa, 1989).

لفت و یچ نیز به عنوان یکی از اندیشمندان حوزه توسعه، حکمرانی مطلوب و دموکراتیک را در دو مفهوم بنیادین مطرح می‌کند که یکی محدود و دیگری وسیع است. حکمرانی مطلوب در معنای محدود و اجرایی خود شامل مجموعه‌ای از قوانین، نهادها (یعنی چارچوب حقوقی

توسعه) و نظام اداری باز، شفاف، کارآمد و پاسخگو است. چنین سیستمی برای بخش خصوصی، شفافیت، ثبات و قابلیت پیش‌بینی را به ارمغان می‌آورد و به آن امکان می‌دهد که به جای دولت، نقش موتور اصلی توسعه اقتصادی را در استراتژی توسعه «بازار محور» ایفا کند. همچنین حکمرانی مطلوب در معنای وسیع‌تر کلمه بر سیاست‌های دموکراتیک تاکید می‌کند. (لفت ویج، ۱۳۸۲: ۱۸).

ایده حکمرانی خوب بر اساس این تفکر شکل گرفته است که اساساً نباید یک نهاد دولتی در بالا و بقیه نهادهای جامعه در پایین قرار داشته باشند. بلکه دولت همراه با بخش خصوصی و جامعه مدنی باید با هم شراکت (و نه مشارکت) داشته باشند و مانند سه شریک با تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها به اداره امور پردازند (منوریان، ۱۳۷۹: ۱۱). بدین ترتیب، حکمرانی خوب، هم شامل دولت و نحوه فعالیت آن می‌شود و هم با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی، از یک رویکرد دولتی فراتر می‌رود؛ زیرا اعتقاد بر این است که مشارکت تعاملی این سه بخش برای توسعه انسانی پایدار ضروری است. در این راستا، «دولت وظیفه تمهید محیط سیاسی و حقوقی کارآمد»، «بخش خصوصی وظیفه تولید اشتغال و درآمد» و «جامعه مدنی، تعامل سیاسی - اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» را بر عهده دارند (کریمی مله، ۱۳۹۱: ۵۵).

۲-۴. حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی

رویکرد ما در این پژوهش این است که اصول و شاخص‌های حکمرانی خوب به مثابه یک تجربه بشری با رعایت مبانی اسلامی ناظر بر حکومت نظیر اصل حاکمیت قوانین اسلام، حاکمیت فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت، قابل پذیرش است. به دلایلی از جمله اینکه: مدل حکمرانی خوب یک اصطلاح هنجاری و انعطاف پذیر است. این ویژگی سبب می‌شود که این مفهوم از سطح بین‌المللی به مدیریت داخلی کشورها عرضه شود تا با توجه به بافت فرهنگی و سیاسی جامعه‌ی خود آن بهره ببرند. همچنین از این نظر که حکمرانی خوب و اصول آن در رویکرد اسلامی در پرتو مبانی الهی حاکمیت و حکمران از یک سو و توجه به نقش مردم و تجارب بشری در این زمینه از سوی دیگر می‌باشد. در کنار این امور، مقایسه مفاد اصول حکمرانی خوب با اصول اسلامی حکمرانی و تبیین اصول مستقل ناظر بر حکمرانی برگرفته از معارف

قرآن مورد تأکید رویکرد حاضر می‌باشد. در این چهارچوب اصول حکمرانی خوب مندرج در اسناد بین‌المللی و مطرح در جوامع غربی از قبیل اصل حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت و پاسخگویی و حتی مشارکت مردم در حکومت به عنوان تجارب بشری نه تنها تعارضی با مبانی اسلامی حاکمیت ندارد، بلکه با آن سازگار می‌باشد؛ لکن حدود و قلمرو اعمال این اصول باید با رعایت احکام مسلم اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت باشد. (مفتح، محمد هادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۶۸)

امام خمینی (ره) بعنوان بنیانگذار و مؤسس نظام مقدس جمهوری اسلامی معتقد است که شکل حکومت اسلامی نخست با الهام‌گیری از سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) و متناسب با شرایط و مقتضیات کنونی و نیز مراجعه به آرای ملت و با اتکا به آن تعیین خواهد شد. بر همین مبنا ایشان حکومت جمهوری اسلامی و یا نظام مردم‌سالاری دینی را پیشنهاد می‌دهند. همانطور که در اینخصوص می‌توان اشاره نمود؛ مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی عبارتند از: ۱- قانون‌مداری؛ و می‌فرمایند در اسلام؛ حکومت، حکومت قانون است. ۲- مشارکت سیاسی مردم؛ ایشان در کنار تأکید بر بعد اسلامیت همواره از مشارکت و رأی مردم دفاع کرده‌اند و معتقدند که در ایران، ملت حکومت می‌کنند و اینجا آراء ملت حکومت می‌کند و این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده‌اند. ۳- شفافیت و نظارت؛ با بررسی متون و سخنرانی‌های ایشان و با تأکیدی که بر سایر مؤلفه‌های دموکراتیک مانند آزادی، آزادی مطبوعات، آزادی گروه‌ها و احزاب، مشارکت و انتخابات و ... داشته‌اند می‌توان به خوبی و وضوح کامل تأیید ایشان را بر مقوله شفافیت و الزام آن درک کرد. ۴- پاسخگویی؛ این مؤلفه نیز در کنار سایر مؤلفه‌های دموکراتیک از جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام برخوردار است و امام همواره از مردم می‌خواستند حاکمان و مدیران سیاسی جامعه را استیضاح کنند و ایشان در مورد کارهایشان توضیح بخواهند. شاخص‌های دیگر حکمرانی خوب از جمله؛ آزادی‌های مدنی، وفاق در تصمیم‌گیری، مبارزه با فساد و ... نیز در اندیشه‌های امام مطرح و بر آن تأکید داشته‌اند. (عیوضی، محمد رحیم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۲)

در مجموع می‌توان اشاره نمود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه سیاسی رهبران آن به واسطه تأکید بر جمهوریت و مردم‌سالاری، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای حکمرانی خوب دارد. بطوری که برخی از اصول نهفته در قانون اساسی درخصوص شاخص‌های مورد بررسی در

این پژوهش، گویای ظرفیت نهفته این قانون است.

۳-۵. شاخص‌های حکمرانی خوب

با آنکه شاخص‌های متفاوتی برای حکمرانی خوب از قبیل «حق اظهار نظر»، «پاسخگویی»، «کارآیی و اثربخشی دولت»، «حاکمیت قانون»، «مشارکت و اجماع محوری» و... از صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه مطرح شده است؛ در این تحقیق صرفاً شاخص‌های «حاکمیت قانون»، «پاسخگویی» و «مشارکت» مورد نظر است.

حاکمیت قانون

حاکمیت قانون مفهوم موسعی دارد که گستره وسیعی از ایده‌ها و آرمان‌ها در مورد سازماندهی روابط متقابل مردم و دولت، محدود کردن تمام فعالیت‌ها به حدود قانون و سایر عوامل مؤثر، از جمله دادگاه‌ها و تاثیر آنها بر زندگی مردم را دربر می‌گیرد. براساس این مؤلفه، برای حل تعارض‌ها و اختلافات طرف‌های دعوی، همواره راه مشخص و اطمینان بخشی وجود دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳: ۱-۳)

پاسخگویی

پاسخگویی یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است و به وظیفه دولت و نهادها و مقامات دولتی به ارائه اطلاعات در مورد تصمیمات و اقدامات خود و توجه آنها به افکار عمومی و نهادهای مافوق بر می‌گردد که مردم یا نهادهای مسئول پاسخگویی می‌توانند فرد یا گروه متخلف را مجازات نموده و یا وی را مجبور به اصلاح رفتار نمایند (hurst & Brient, 2012).

مشارکت

مشارکت، سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب است و بر اساس آن، تمامی زنان و مردان جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهار نظر داشته باشند؛ این امر از طریق نهادهای واسطه منتخب آنان و یا به صورت مستقیم تحقق می‌یابد (Plumptre and Graham, 2000) امروزه میزان سنجش دموکراتیک بودن حکومت‌ها به میزان نقش مردم در عرصه‌های مختلف نظام حکومتی

مربوط می‌شود و هر چه قدر این نقش گسترده‌تر باشد نشان از مشروعیت بیشتر حکومت و دولت در بین شهروندان آن کشور و نظام بین‌المللی است.

۴. روش پژوهش

روش تجزیه و تحلیل کیفی، روش منتخب در این پژوهش می‌باشد. این روش به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم، متن‌ها، پدیده‌ها و... انجام می‌شود. در واقع قلمرو این نوع روش تحقیق را متن‌های مکتوب، شفاهی، تصویری و... درباره موضوع خاص تشکیل می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۷۵) در تحقیقات کیفی، اسناد و مدارک و نوشته‌ها و آثار، حکم داده را دارند که از جمع آوری، طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل آنها، محقق می‌تواند مجهول را کشف نموده و فرضیه ارائه شده را ارزیابی کند (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۲۶۹).

به عبارتی دیگر این روش مجموعه‌ای از تکنیک‌ها است که برای تحلیل سیستماتیک متن بکار می‌رود (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۹۷)؛ که با دریافت معانی از متون، الگوها و مضامین که ممکن است در ظاهر یک متن پیدا باشد یا نباشد حرکت می‌کند. این ویژگی به محقق اجازه می‌دهد که واقعیت‌های اجتماعی را به طور ذهنی اما علمی درک نماید. به این ترتیب تحلیل محتوای کیفی با کشف معانی بنیادین در پیام سروکار دارد (قاندی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۶۹).

در تعریفی جامع‌تر که «شی‌یه» و «شانون» از روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی ارائه می‌دهند بر نقش تفسیر ذهنی تحلیل‌گر تاکید می‌گردد. آنها تحلیل محتوای کیفی را روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای «طبقه‌بندی نظام‌مند»، «کدبندی» و «شناسایی زمینه‌ها» می‌دانند. براساس نظر آنها می‌توان رهیافت موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از: ۱- تحلیل محتوای عرفی و قراردادی، ۲- تحلیل محتوای جهت دار و ۳- تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی (قاندی و گلشنی، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

در مجموع تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌هایی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا از طریق تفسیر به محتوای پنهان متن که سطح ساختار عمیق معنایی است، دسترسی پیدا نمود. تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی جهت دار است. بدین معنا که محقق در ابتدا مؤلفه‌های قابل تطبیق دو مدل را مشخص نموده و با توجه به شناختی که از موضوع تحقیق دارد، مدل مفهومی تحقیق را طراحی می‌نماید.

۵. یافته‌های پژوهش

۱-۵. حکمرانی خوب در دوره گفتمان اصلاح طلبی (سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶)

از دلایل پیروزی گفتمان اصلاح طلبی در این دوره می‌توان به شرایط خاص اجتماعی و سیاسی، مسائلی از قبیل جنگ تحمیلی و دوره سازندگی ناشی از عواقب جنگ اشاره نمود. خاتمی کارزار انتخاباتی خود را با تکیه بر شعار «جامعه مدنی»، درمان «اقتصاد بیمار» کشور و جایگزین ایده «برخورد تمدن‌ها» با «گفتگوی تمدن‌ها» پیش می‌برد، بر اهمیت جامعه باز و احترام به آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حقوق زنان، کثرت‌گرایی سیاسی و مهم‌تر از همه حکومت قانون تاکید می‌کرد. (آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۲۸۷)

علاوه بر موارد فوق رشد جمعیت و افزایش نیروهای جوان جامعه و ارتقاء سطح آگاهی این قشر و گسترش ارتباطات منجر به شکل‌گیری مطالبات جدیدی در جامعه شد که این عوامل تاثیر بسزایی در پیروزی وی داشتند.

۵-۱-۱. اصلاحات و توسعه سیاسی

گفتمان مسلط در انتخابات هفتم و هشتم گفتمان اصلاح طلبی بود. این گفتمان متأثر از جریان چپ سنتی بود که در دوران سازندگی کنار رفت و به نظریه پردازی پرداخت. توسعه سیاسی محوری‌ترین جایگاه را در گفتمان اصلاح طلبان داشت. اصلاح طلبی به نوعی در برابر سنت طلبی قرار دارد، برخاسته از گرایش‌ات تجدیدنظر طلبانه و تحت تاثیر مدرنیته است. (حاضری، ۱۳۹۰: ۳) کاندیدای مورد حمایت اصلاحات در ایام فعالیت‌های انتخاباتی سیاست‌های کلان خود را بر چهار محور استوار کرد:

- نهادینه کردن هر چه بیشتر قانون در جامعه
- اهتمام به استقرار عدالت اجتماعی
- اهمیت دادن به نقد و نقد پذیری
- فراهم کردن هر چه بیشتر زمینه‌های مشارکت و رقابت آگاهانه و داوطلبانه مردم. (بدیعی، ۱۳۷۸: ۱۵)

به نظر می‌رسد به رغم حمایت گسترده طبقه متوسط و توده‌های مردمی از شعارهای انتخاباتی این دوره که منجر به پیروزی و تشکیل دولت‌های هفتم و هشتم و توسعه فضای

سیاسی و اجتماعی و توجه به مؤلفه‌های دموکراسی گردید. لیکن به دلیل تعدد گروه‌های حامی اصلاح‌طلبی که اغلب نیز در خیلی از موارد با یکدیگر اختلاف داشتند و در این میان اقدامات و رویکردهای افراطی برخی از جریان‌های سیاسی حامی اصلاح‌طلبی، منجر به مقابله از سوی جناح رقیب گردید و این‌گونه موارد باعث شد که سیاست‌ها و برنامه‌های دولت اصلاحات با شکست مواجه شود.

با عنایت به توضیحات مختصر فوق، وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب مورد نظر این پژوهش از قبیل؛ حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت در دولت‌های (هفتم و هشتم) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۵-۱-۲. حاکمیت قانون

از پیام‌های گفتمان اصلاحات تثبیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یا نهادینه کردن آن و احیای اصولی بود که به گفته آنها مورد توجه واقع نشده بود. به همین منظور یکی از شعارهای انتخاباتی دولت اصلاحات، حاکمیت قانون یا قانون‌گرایی بود که به برخی از آنها بطور گذرا به شرح زیر اشاره می‌شود:

در همایش استانداران کشور در تاریخ ۱۳۷۶/۱۰/۶ مطرح کرده است: «هیچ راهی برای استقرار جامعه اسلامی نداریم جزء اینکه قانون را در جامعه اسلامی پیاده کنیم. اگر جامعه، قانون‌مدار باشد، هم عزت مردم تأمین می‌شود، هم حقوق مردم تعریف و تأمین می‌شود و هم دولت مقتدر و قاطع‌تر عمل خواهد کرد».

«مبنای عمل در جامعه ما قانون اساسی است که خوشبختانه، انقلاب اسلامی ما هنوز یکسال از عمرش نگذشته بود که صاحب قانون اساسی شد و من فکر می‌کنم که راهی برای پیشرفت، آرامش، امنیت و حرمت انسان برای استفاده از نیروها و امکانات و بکارگیری آنها نیست جزء آنکه جامعه ما تن به قانون و قانون اساسی بدهد» (سخنرانی خاتمی در همایش روسای دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۵)

با توجه به اولویت‌ها و تأکیدات دولت‌های (هفتم و هشتم) بر قانون‌گرایی، از مصادیق اقدامات آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ - مسئله شوراها در قانون اساسی، - پذیرش قانون بین‌الملل در حوزه سیاست خارجی و بازی بر مبنای قاعده موجود. (حجت شمامی، ۱۳۹۶:

۱۴۳- تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی براساس اصل ۱۱۳ قانون. (صادقی جقه، ۱۳۹۷: ۲۱) - رعایت قانون و تبعیت از تصمیم مجلس در حق استیضاح وزای کابینه- بهبود حقوق اقلیت‌های قومی و ادیان رسمی که در قانون اساسی پیش بینی شده است.

۵-۱-۳. مشارکت

مشارکت اولین مؤلفه در حکمرانی خوب است که براساس آن، دولت باید ساختاری را فراهم سازد که همهٔ افراد بتوانند در امور مربوط به خود و جامعه مشارکت داشته باشند. آقای خاتمی در برنامه‌های انتخاباتی و سخنان خود در زمانی که دولت را در اختیار داشت درباره مشارکت و رقابت معتقد بود:

«مشارکت حق مردم است و لازمه موفقیت یک نظام سیاسی، شرکت سامان‌یافته و آگاهانه عمومی در تعیین سرنوشت خود در تدوین و اجرای برنامه‌های دولت و نظارت همه جانبه و مستمر بر آنهاست». (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۷۲)

«در جامعه مدنی، سازوکار گردش جامعه در اثر مشارکت، همکاری، همدلی و انتخاب مردم خواهد بود. چه در زمینه مسائل سیاسی و چه در زمینه مسائل کاری و ... در این زمینه بخصوص هسته‌های اصلی جامعه مدنی مثل احزاب، اصناف، تشکل‌ها و انجمن‌ها نقش بسیار مهمی دارند. (سخنرانی خاتمی در مراسم روز کارگر مورخ ۱۳۷۷/۲/۲)

«ما اگر بخواهیم مقتدر باشیم نباید از یاد ببریم که تکیه‌گاه قدرت ما مردم هستند. ما باید با مردم پیوندی دائمی داشته باشیم. (خاتمی، ۱۳۷۹: ۶۳)

«دولت باید ظرفیت و فرهنگ مشارکت‌پذیری و نقد و اصلاح را در جامعه گسترش دهد و خود پیشگام و سرمشق تحمل و جلب مشارکت باشد. (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۷)

درخصوص نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی، می‌توان گفت به دلیل تسلط گفتمان مردم‌سالاری و جامعه مدنی در سطح ملی و دولت، فرصت‌های مناسبی فراروی نهادهای مدنی قرار گرفت، تکثیر و تنوع نهادهای مدنی مدرن بیش از پیش چشمگیر شد. از نظر وی حضور فعال همه قشرها و پذیرش رقابت‌ها بعنوان یکی از مجاری اساسی مشارکت از سوی دولت، ضرورتی انکارناپذیر است. (اردستانی، حسین، ۱۳۸۴: ۳۱)

بنابراین می‌توان گفت که شعار گفتمان اصلاحات که همان «تحقق توسعه سیاسی» و «جامعه

مدنی» بوده، تحقق یافته و مردم توانستند از این فرصت برآمده برای مشارکت هر چه بیشتر خود در اداره امور جامعه و نیز برای دخالت در سرنوشت سیاسی کشور بهره ببرند. همچنین میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری خود گویای بهبود شاخص مشارکت در این دوره بوده، بطوری که با نگاه مقایسه‌ای به آمار مشارکت مردم در انتخابات، گویای تاثیر این گفتمان به سمت مشارکت بیشتر در مشارکت سیاسی می‌باشد و نسبت به دوره قبل، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است.

۵-۱-۴. پاسخگویی

پاسخگویی یک امر حیاتی برای حکمرانی مطلوب است. نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمانهای جامعه مدنی نیز باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذی نفع پاسخگو باشند. در دولت پاسخگو، ویژگی‌هایی نظیر مدیریت پاسخگو، پاسخگویی شهروندان و همراهی مسوولیت با قدرت نیز وجود دارد. طبیعتاً همراه با پاسخگویی، مسوولیت نیز باید باشد. هر اندازه در دولتی قدرت بیشتر و پاسخگویی و مسوولیت کم تر باشد، کارایی و اثر بخشی آن کم تر خواهد بود و این دولت آن ویژگی پاسخگویی را نخواهد داشت. (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

دولت پاسخگو، جزء مؤلفه‌های گفتمان اصلاحات بوده و درباره پاسخگویی دولت معتقدند: «ما باید پاسخگوی نیازها و پرسش‌های مردم باشیم. حکومت ایجاد شده است که زندگی مردم را تأمین بکند. اگر نتوانست باید بگوید چرا نتوانسته است و اگر کرد باید قدرت توجیه مردم را داشته باشد که چه کاری انجام شده و چه موفقیت‌هایی بدست آمده است.» (سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه و جماعات استان تهران مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۶)

در مجموع رویکرد گفتمان اصلاح طلبی، تحقق جامعه مدنی و تقویت مردم سالاری دینی با مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی چون قانون‌گرایی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و پاسخگویی نظام به مردم بود که این موارد از اصول و شاخص‌های مهم حکمرانی خوب می‌باشند. گفتمان اصلاح طلبی دولت خاتمی در حوزه اقتصادی نیز با موفقیت‌ها و کاستی‌هایی مواجه بوده است. بطوری که به منظور حل مشکلات ساختاری اقتصاد کشور در آن مقطع و مواجهه با بحران کاهش شدید درآمدهای نفتی، بررسی‌هایی برای چگونگی سازماندهی اقتصادی کشور انجام داد که حاصل آن تصویب سیاست‌های کلی نظام در سازماندهی اقتصادی کشور بود.

همچنین تنظیم برنامه سوم توسعه با گرایش روشن به خصوصی سازی و کاهش تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی، طرح یکسان سازی نرخ ارز، شروع فعالیت بخش خصوصی در بخش بانکداری و بیمه، توسعه بازار سرمایه و رشد بخش صنعت و کشاورزی را می‌توان بشمار آورد. بنابراین می‌توان اشاره نمود به دلیل توجه و تاکید گفتمان اصلاحات بر اجرا و عملیاتی شدن شاخص‌های حکمرانی خوب، این امر موجب توسعه سیاسی در این دوره شد.

۵-۲. حکمرانی خوب در دوره گفتمان اصولگرایی عدالت خواهانه (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

پیدایش سازمان اصولگرایان برآمده از دولت‌های نهم و دهم، به انتخابات شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۸۱ و گرایش شاخه‌ای از راست‌گرایی به نام آبادگران ایران اسلامی باز می‌گردد. احمدی نژاد در زمان تبلیغات انتخاباتی خود در سال ۱۳۸۴ ارزش بدیلی را مطرح کرد و این ارزش چیزی نبود جزء عدالت. (سرزعی، ۱۳۹۵: ۷۴) عدالت در این گفتمان به معنای توزیع فرصت‌ها و امکانات بطور مساوی به همه افراد و مناطق کشور با محوریت افراد و مناطق فرودست بوده، به گونه‌ای که همه جای کشور با هم و هماهنگ پیشرفت کنند.

همچنین احمدی نژاد خود را مدافع و پشتیبان مستضعفین و آبادگر نامید و افزایش حقوق و دستمزدها بویژه برای آموزگاران و کارمندان دولت، کاهش فقر و مقابله با بیکاری و کمبود مسکن، دادن وام ازدواج به زوج‌های جوان، عدالت اجتماعی برای توده‌ها و... را وعده داد. (آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

پایگاه دولت‌های نهم و دهم ترکیبی بود از طبقات پایین شهری و روستایی و البته انقلابیونی که احساس می‌کردند در دوران اصلاحات، ارزشهای انقلاب کم رنگ شده و مناصب کشور در اختیار لیبرال‌ها و روشنفکران قرار گرفته است. (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۶۳)

تعدادی از برنامه‌ها و رویکردهای اساسی که در گفتمان اصولگرایی عدالت‌خواه به عنوان شاخص عملکرد و اقدامات بوده به اجمال به شرح زیر می‌توان اشاره نمود:

توزیع سهام عدالت: این سیاست، براساس اهدافی که طراحان اولیه این طرح داشتند، توزیع متعادل ثروت ملی، گسترش مالکیت در میان عموم مردم و به طور کلی، تحقق عدالت اجتماعی را دنبال می‌کرد و گروه‌های هدف خود را عمدتاً افراد طبقات فرودست یا متوسط رو به پایین تعریف کرده بود.

مسکن مهر: دولت نهم با طرح مسکن مهر، گروه‌های هدف را اقشار کم درآمد و فاقد مسکن اعلام نمود و نسبت به ساخت مسکن در حاشیه شهرها جهت خانه دار شدن اقشار کم درآمد اقدام کرد.

سفرهای استانی: این سفرها را می‌توان در چارچوب شعار رسیدگی به وضعیت استان‌ها و مناطق محروم و تمرکز زدایی از شهر تهران، جذب آراء مناطق محروم و تقسیم عادلانه فرصت‌ها و امکانات در سراسر کشور تفسیر کرد.

هدفمندی یارانه‌ها: هدفمندی یارانه‌ها در دی ماه ۱۳۸۸ به شکل قانون درآمد و دولت را مکلف می‌ساخت، قیمت‌های حامل انرژی را اصلاح و تا ۵۰٪ درآمدهای ناشی از این اصلاح قیمت‌ها را در قالب پرداخت‌های انتقالی مستقیم هزینه نماید. از حیث نظری، هدف از این تغییر در نظام تخصیص این بود که نظام تخصیص قبلی یارانه‌ها به نفع طبقات بالا و به زیان طبقات فرودست دیده می‌شد.

طرح تحول اقتصادی: به عنوان «جراحی بزرگ در اقتصاد ایران» با اهداف؛ افزایش بهره‌وری، هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح ساختار گمرکی، اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح ساختار بانکی، اصلاح نظام توزیع کالا و خدمات و ارزش پول ملی طراحی شد. بر این اساس دولت خود را متعهد دید ابتدا سهام کارخانه‌های دولتی و سپس با یک فاصله زمانی، سود آن‌ها را میان این دسته از طبقات توزیع نماید.

با توجه به برنامه‌ها و رویکردهای حاکم بر دولت، وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب مورد نظر این پژوهش از قبیل؛ حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت در گفتار اصول‌گرای عدالت‌خواه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱- حاکمیت قانون

درباره وضعیت شاخص حاکمیت قانون در گفتار اصول‌گرای عدالت‌خواه و این که به چه میزان دولت برآمده از آن از قانون تبعیت می‌کرد، مواردی می‌توان اشاره نمود که منجر به تقابل دولت نهم و مجلس وقت انجامید، از جمله؛ - رأی عدم اعتماد مجلس هفتم به وزرای پیشنهادی کابینه، - اختلاف دولت و مجلس در خصوص بودجه‌های سالیانه، - عزل ناگهانی مدیران و مسئولین (برکناری آقای متکی وزیر امور خارجه وقت، آقای مصلحی وزیر اطلاعات) و اختلاف

بین مجلس و دولت در استیضاح آقای بهبهانی وزیر راه و ترابری در دولت دهم اشاره نمود. از دیگر موضوعات مورد اختلاف مجلس هفتم و دولت، نحوه اجرای طرح سهمیه بندی بنزین، امتناع دولت از اجرای مصوبه مجلس در تغییر ساعت رسمی کشور و نیز اختلاف بر سر قانون هدفمندی یارانه‌ها بود. در این موارد احمدی نژاد، مدام مجلس را به دخالت در امور اجرایی بویژه امور بودجه‌ای متهم می کرد و مجلس نیز دولت را به عدم تمکین در برابر مصوبات مجلس متهم می نمود. (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۶۵-۲۷۹)

براساس اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی مسئولیت نظارت بر مصوبات دولتی از جهت مغایرت و یا عدم مغایرت با قانون اساسی را برعهده دارد. بررسی‌ها در این خصوص نشان داده که در طول دولت‌های نهم و دهم، جمعاً ۶۵۹ قانون به رییس جمهور ابلاغ شد که از این میان، تعداد ۷۲ قانون «حدود ۱۱٪» در مهلت قانونی ابلاغ شده است. رییس دولت‌های نهم و دهم در ابلاغ قوانین ۵۹۴۹ روز تاخیر داشته است، یعنی بطور متوسط بیش از ده روز برای هر قانون تاخیر کرده است. (کلاته سفیری، ۱۳۹۱: ۱۰۳) بطوری که یکی از اعضای وقت هیأت تطبیق عنوان نموده، دولت احمدی نژاد مصوبات دولت را به هیأت دولت ارسال نمی کرد و این هیأت از طریق سایت دولت، روزنامه رسمی به این مصوبات دسترسی پیدا می کرد. (سایت اینترنتی خبر آنلاین ۱۲ اسفند ۱۳۹۶)

بنابراین در ارتباط با شاخص حاکمیت قانون و تعامل مجلس و دولت، به رغم طرح موضوع و اعلام قانون‌گرایی در سخنان و مصاحبه‌ها، مشخص شد که التزام عملی به قانون در برخی موارد وجود ندارد و شاخص حاکمیت قانون در این دوره وضعیت مطلوبی نداشته است.

۵-۲-۲- مشارکت

با توجه به اهمیت مؤلفه مشارکت، حکمرانی خوب بر مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بویژه در جهان سوم تاکید دارد. بطوری که میزان مشارکت مردم در امور جامعه، یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می رود.

در دوره گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه به رغم تأکید بر آزادی مطبوعات و اهل قلم، در عمل مطبوعات رضایت‌چندانی نداشتند. اصولگرای که این جریان فکری از آن حمایت می کرد در مفهوم مشارکت سیاسی برای مردم تکلیف‌قائل هستند نه حق. این گروه حضور مردم را

در صحنه‌های مختلف يك فریضه الهی می‌داند که مردم مکلف به پایبندی به آن هستند. (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

در باره نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی در این دوره می‌توان اشاره کرد که به دلیل نگاه محدود دولت، نهادهای مدنی که به تدریج وارد فاز تثبیت می‌شدند، با چالش‌های جدیدی روبرو می‌شده‌اند.

در مجموع اینکه دولت احمدی‌نژاد با اتخاذ برخی سیاست‌های غیر دموکراتیک، در عین حال طرح شعار «مردمی بودن دولت» را زیر سوال برده و نیز به دلیل عدم اعتقاد به فعالیت‌های حزبی، نهادهای مدنی و مطبوعات، می‌توان گفت که شاخص مشارکت از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده است.

۵-۲-۳- پاسخگویی

اصل پاسخگویی دولت در مقابل ملت، یکی از مباحث مطرح در حوزه بینابینی سیاست می‌باشد که در دولت-ملت‌های کنونی به عنوان یکی از مفاهیم پایه دموکراسی و نهادمندی سیاسی تعریف شده و از جانب نهادهای سیاسی از یک سو و توده‌های جامعه از سوی دیگر، پیگیری می‌شود. در حقیقت در یک رابطه تعاملی مثبت که حاصل بازخوردها، ورود تقاضاها و خروجی نهاده در چارچوب یک سیستم می‌باشد، نهادهای فرادست ناچارند در قبال اقدامات خود و نیازهای مردم پاسخگو باشند. (دارایی، ۱۳۹۱: ۸۸)

هرچند می‌توان اشاره نمود که برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم با رویکرد عدالت‌محور در حمایت از طبقات ضعیف و روستایی با موفقیت‌هایی همراه بوده و رضایت طبقات فرودست را به همراه داشت. به طوری که افراد ساکن در روستاها با هدفمندی پارانه و توزیع سهام عدالت، درآمد ماهیانه کسب نمودند و با اجرای مسکن مهر، بخشی از جامعه صاحب مسکن شدند. ولیکن این نوع سیاست‌ها منجر به وابستگی بیش از حد افراد به دولت گردید و عملاً خیلی از این افراد از اشتغال و تولید و کسب درآمد امتناع نمودند.

آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی نیز نشان می‌دهد که وضعیت شاخص پاسخگویی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ با رشد منفی مواجه شده است. بر این اساس امتیاز ایران از ۲۰۰۵ که منفی ۱,۳۰ بوده در سال ۲۰۱۲ به منفی ۱,۸۷ رسیده است. این در حالی است که درصد نرخ

کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۱۰،۱۰ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۵،۶۹ درصد کاهش یافته است یعنی یک/دوم وضعیت آن بدتر شده است. (World Bank, Wgi, 2013)

با توجه به موارد فوق ملاحظه شد، به رغم زمینه‌های موجود در جهت تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب از قبیل؛ حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت، وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب مطلوب نبوده ولیکن رویکرد حاکم بر دولت و برنامه‌های و فعالیت‌های انجام شده منجر به تاکید بر اجرای عدالت گردید.

۳-۵. تحلیل محتوای شاخص‌های حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت در گفتمان‌های اصولگرایی عدالت خواه و اصلاح طلبی

در این قسمت وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت) در گفتمان‌های اصولگرایی عدالت خواه و اصلاح طلبی طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۷۶ مقایسه و تحلیل محتوا می‌شود. به همین منظور ابتدا با گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های انجام شده با رؤسای دولت، سخنرانی‌ها و برنامه‌های رؤسای جمهور هفتم تا دهم و تحلیل محتوای آنها، کدها مشخص شد. سپس در قسمت کدگذاری نکات اصلی هر بخش مشخص و با ادغام این کدها در قسمت مقوله‌ها، مقوله‌های اصلی را بدست آوردیم. در ادامه نیز تم‌های متفاوت بدست آمد.

جدول (۱): داده‌های اولیه، کدها (تاکیدات اصلی) و مقوله‌های نظرات و دیدگاه‌های دولت اصلاحات درباره شاخص‌های حکمرانی خوب

مقوله‌ها	کدها	داده‌های اولیه
حاکمیت قانون	سیادت قانون در جامعه؛ پرورش روحیه احترام به قانون؛ پاسداری از حقوق شهروندان؛ تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه، برخورد قاطع با سوء استفاده کننده‌گان، جامعه سالم در پرتو قانون مردمی و تبدیل قانون به یک ارزش	تلاش در جهت سیادت قانون در جامعه و دفاع از برابری شهروندان در مقابل قانون و پرورش روحیه احترام به قانون در میان آنان؛ پاسداری از حقوق شهروندان در برابر خودسری و خشونت و قانون شکنی گروه‌های فشار؛ بستر سازی برای تحقق کامل اصل تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه؛ قانونی تر شدن بیشتر جامعه‌ما؛ دفاع از آزادی‌ها و حقوق شهروندان با اجرای قانون؛ تبدیل قانون به یک ارزش از دست آوردهای دوم خرداد و هرچه قانون مردمی تر باشد جامعه سالم تر و آینده اش تضمین تر و تامین تر است

مشارکت	<p>نوسازی ساختار سیاسی کشور در راستای افزایش مشارکت هرچه بیشتر مردم و مبارزه با نخبه‌گرایی سیاسی؛ تامین و تضمین حق مشارکت و رأی همگانی به گونه‌ای برابر، مستقیم و مخفی و رفع موانع اعمال حقوق ملت-حمایت و تقویت سازمان‌های اجتماعی-سیاسی نظیر احزاب و مطبوعات غیردولتی، تقویت نظام حزبی به عنوان جز مکمل نظام پارلمانی از طریق سازوکارهای حمایتی و ترجیحی؛ تنظیم سازوکارهای لازم برای مشارکت بیشتر مردم در همکاری با دولت برای انجام بهتر وظایف دولتی؛ یکی از ارکان مهم جامعه مدنی، مشارکت و حق مردم برای حاکمیت در سرنوشت خودشان و مداخله در تصمیم‌گیری‌های اساسی، تاکید بر ملازمت دین و سیاست و تقویت حضور مردم در همه صحنه‌های سیاسی و مبارزه با سیاست‌زدایی بویژه در حوزه دانشگاه، تحول در نظام اداری و تشکیلات آن در راستای سازمان‌دهی منطقی ساختار دولت، صاحب حق رأی و نظر بودن همه مردم در توسعه سیاسی، تاکید بر صاحب حق رأی دانستن مردم و احترام به حقوق اقلیت‌ها، تاکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی</p>	<p>گسترش و استقرار نظام اطلاع‌رسانی در نظام اداری برای استفاده مردم؛ ایجاد نظام دادرسی ویژه برای رسیدگی به کار ارباب رجوع اداری؛ گسترش و حمایت از سازمان‌های صنفی و سیاسی داوطلبانه به منظور افزایش کارآمدی و اقتدار دولت و توان مسوولیت‌خواهی و حساب‌کشی مردم، وظیفه پاسخگویی دولت به نیازها و پرسش‌های مردم؛ تاکید بر پاسخگویی به مردم و سایر نهاد‌های و سازمان‌های ذی‌ربط برای کسب اعتماد عمومی؛ تاکید بر تعلق نظام به همه مردم.</p>
پاسخگویی	<p>گسترش نظام اطلاع‌رسانی؛ نظام دادرسی ویژه اداری؛ تاکید بر مسوولیت‌خواهی و حساب‌کشی و وظیفه پاسخگویی دولت، کسب اعتماد عمومی؛</p>	<p>گسترش نظام اطلاع‌رسانی؛ نظام دادرسی ویژه اداری؛ تاکید بر مسوولیت‌خواهی و حساب‌کشی و وظیفه پاسخگویی دولت، کسب اعتماد عمومی؛</p>

جدول (۲): داده‌های اولیه، کدها (تاکیدات اصلی) و مقوله‌های نظرات و دیدگاه‌های دولت اصولگرای عدالت‌خواه درباره شاخص‌های حکمرانی خوب

مقوله‌ها	کدها	داده‌های اولیه
حاکمیت قانون	سعادت و پیشرفت یک ملت، باور مجریان به قانون	از عوامل اصلی سعادت و پیشرفت یک ملت حاکمیت کامل قانون است و هر اقدام مثبتی فقط در حاکمیت قانون امکان تحقق دارد؛ بدون حاکمیت قانون امکان پیشرفت وجود نخواهد داشت؛ بهترین قوانین اگر توسط مجریانی اجرا شود که این قوانین را باور ندارند، هیچ تاثیری در پیشرفت جامعه نخواهد داشت
مشارکت	مردم ولی نعمت مسئولان و سهام داران نظام، اجرای عدالت با خواست مردم، مشارکت به مثابه تکلیف برای مردم نه حق	حضرت امام خمینی (ره) مردم را ولی نعمت مسئولان دانستند و مقام معظم رهبری مردم را سهام داران نظام یعنی مالک نظام و همه ساختار و موجودیت کشور می‌دانند این نگاه با دموکراسی غربی و مردم سالاری لیبرال بسیار متفاوت است - مردم یک مجموعه به هم پیوسته هستند و اجرای عدالت و گسترش معنویت بدون خواست مردم شدنی نیست، حضور مردم را در صحنه‌های مختلف یک فرضیه الهی می‌داند که مردم مکلف به پایبندی به آن هستند
پاسخگویی	مقابله با مدیریت محافظه کار، تاکید بر ارتباط سازنده و دو طرفه میان مدیریت و مردم	روحیه به شدت محافظه کارانه‌ای بر بخش‌هایی از مدیریت کشور وجود دارد. لایه‌هایی از سطوح تصمیم‌گیری در کشور کوچک‌ترین تحولی را بر نمی‌تابد و گویی برای آن حفظ وضع موجود یک امتیاز محسوب می‌شود و این از ویژگی مدیریت محافظه‌کار است. مدیریت ایستا و محافظه‌کار هر نوع تغییر و تحول و حتی جابجایی کوچک را به سرنوشت کل کشور و انقلاب‌گره می‌زند و عملاً مانع ترقی و پیشرفت کشور می‌شود.

همانطور که در جداول فوق مشاهده می‌شود، در مقوله برنامه‌ها، اظهارات، قوانین و ... دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد شاخص‌های مربوط به حکمرانی خوب از قبیل؛ حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت تاکید دارند، البته اهمیت و میزان آن در هر یک از دولت‌ها دارای فراز و فرودی است و به عبارتی تاکیدات متفاوتی در آن‌ها وجود دارد. بطوری که در گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه، مقوله‌های حاکمیت قانون و پاسخگویی دارای وزن و اهمیت کمتری بوده است.

با این شرح چنین به نظر می‌رسد که در هر دو گفتمان به برخی از شاخص‌های حکمرانی خوب تاکید شده است. هر چند در مقوله‌های مورد اشاره، تاکیدات متفاوتی وجود دارد.

مقوله	دولت / دوره	تاکیدات متفاوت
حاکمیت قانون	گفتمان اصلاح طلبی	دفاع از تشکیل محاکمه علنی، برخورد قاطع با سوء استفاده کننده‌گان
	گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه	در دولت‌های احمدی‌نژاد خیلی مورد توجه قرار نگرفته است
پاسخگویی	گفتمان اصلاح طلبی	شفافیت اداری، اصلاح رفتار اداری، مسئولیت و قدرت حساب کشی مردم
	گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه	مقابله با مدیریت محافظه کار، ارتباط سازنده و دو طرفه مدیریت و مردم
مشارکت	گفتمان اصلاح طلبی	نوسازی ساختار سیاسی، مبارزه با سیاست زدایی، ملازمه دین و دنیا، احیای فصل شوراها
	گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه	توجه به خواست‌وا دارة مردم، مدیریت یعنی تحقق خواست مردم

با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود که شاخص حاکمیت قانون، در گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه مورد توجه قرار نگرفته و به عبارتی وضعیت این شاخص، ضعیف ارزیابی می‌شود. در جدول زیر به جمع بندی نکات متفاوت هر دولت در مقایسه با یکدیگر بررسی می‌شود تا تم اصلی و متفاوت آنها بدست آید.

جمع بندی تم متفاوت گفتمان اصلاح طلبی

تم اصلی: نوسازی توام با تشخیص دادن و هویت دار کردن فضای سیاسی
نوسازی ساختار سیاسی، مبارزه با سیاست زدایی، ملازمت دین و دنیا، احیای فصل شوراها
الزام به اصل ولایت فقیه، میزان بودن رأی ملت، تصمیمات بر مبنای مصلحت نظام
دفاع از تشکیل محاکمه علنی، برخورد قاطع با سوء استفاده‌کنندگان

جمع بندی تم متفاوت در گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه

تم اصلی: تحقق عدالت اجتماعی با حمایت از طبقات پایین جامعه
عدالت در توزیع فرصت‌ها و امکانات، تخصیص منابع برای مناطق مختلف به نسبت محرومیت‌ها، استعدادها و ظرفیت‌ها
انتخاب سیاست‌های پوپولیستی در عرصه اقتصاد به منظور جلب حمایت توده‌ها و طبقات پایین جامعه
توزیع متعادل ثروت ملی، گسترش مالکیت در میان عموم مردم و به طور کلی، تحقق عدالت اجتماعی
تغییر در نظام تخصیص یارانه‌ها، اجرای طرح مسکن مهر با تاکید بر گروه‌های هدف خود (اشار کم درآمد و طرح تحول اقتصادی به نفع طبقات فرودست و پایین جامعه در جهت تحقق عدالت اجتماعی)
تاکید بر خدا محوری، توسل به دیدگاه اصیل اسلامی، حاکمیت انقلابی بر دستگاه اجرایی، حاکمیت دین، حاکمیت اسلام و مردم سالاری دینی

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت) در گفتمان اصلاح‌طلبی و گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه دارای تفاوت‌هایی هستند. بطوری که گفتمان اصلاح‌طلبی در زمینه حاکمیت قانون با تأکید بر سیادت قانون، پاسداری از حقوق شهروندان؛ تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه، دفاع از تشکیل محاکمه علنی و...؛ در زمینه شاخص مشارکت با تأکید بر نوسازی ساختار سیاسی، تأمین و تضمین حق مشارکت، تقویت نظام حزبی، احیای فصل شوراها، ملازمت دین و دنیا، گسترش مشارکت‌های عمومی در سطح جامعه و...؛ در زمینه شاخص پاسخگویی با تأکید بر گسترش نظام اطلاع‌رسانی؛ تأکید بر مسوولیت‌خواهی و حساب‌کشی و وظیفه‌پاسخگویی دولت، کسب اعتماد عمومی و... شاخص‌های حکمرانی خوب را مورد توجه قرار داده و دولت‌های هفتم و هشتم برآمده از این گفتمان در صدد تحقق آن بوده است و با اجرای برنامه‌ها و اصلاحات و توسعه سیاسی، این شاخص‌ها تقویت شده است. در گفتمان اصولگرای عدالت‌خواه (دولت‌های نهم و دهم) نیز با برنامه‌ریزی و حمایت از طبقات پیرامونی و فردوست جامعه در صدد اجرای عدالت اجتماعی برآمد به نحوی که این دولت معتقد بود باید عرصه مدیریت کشور به روی نیروهای جدید و کارآمد باز شود، نگاه مدیران و کارگزاران به مدیریت عوض شود و در این خصوص عدالت نقطه کلیدی است و بدون عدالت امکان پیشرفت وجود ندارد.

در مورد شاخص‌های حکمرانی خوب از جمله حاکمیت قانون با توجه به عدم اجرای قوانین مصوب مجلس و یا اجرای با تأخیر آن‌ها و نیز تغییر در ساختار اداری کشور و تصمیم‌گیری‌های بعضاً بدون اتکا به کارشناسی و نیز در زمینه شاخص مشارکت به دلیل نگاه منفی به مقوله توسعه، ایجاد و گسترش نهادهای مدنی، احزاب و در عوض توجه به خواست و اراده مردم بدون هرگونه واسطه‌ای، دارای وضعیت مطلوبی نبوده است.

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۰)، «تاریخ ایران مدرن»، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
۲. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، «دموکراسی و سنتهای مدنی»، مترجم محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
۳. پیرسون، پل (۱۳۹۳)، «سیاست در بستر زمان»، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر نی.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران: نشر سمت.
۵. خاتمی، محمد (۱۳۷۹)، «توسعه سیاسی»، نشر طرح نو.
۶. خاتمی، محمد (۱۳۷۹)، «توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت»، تهران: نشر طرح نو.
۷. دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی توسعه»، تهران: نشر آگاه.
۸. سرزعی، علی (۱۳۹۵)، «پوپولیسم ایرانی، کیفیت حکمرانی در دولت احمدی‌نژاد»، تهران: نشر کرگدن.
۹. سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴)، «قدرت گفتمان و زبان»، تهران: نشر نی.
۱۰. گای، پیترز (۱۳۸۶)، «نظریه نهادگرایی در علم سیاست»، مترجمان: فرشاد مومنی و فریبا مومنی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۱. لفت و یچ، آدریان (۱۳۸۲)، «دموکراسی و توسعه»، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: نشر طرح نو.
۱۲. مقدری، مهدی (۱۳۹۵)، «درآمدی بر حکمرانی خوب، توسعه، دموکراسی و جهانی شدن»، نشر جنگل.
۱۳. میدری، احمد. خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، «حکمرانی خوب بنیان توسعه»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹)، «حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر»، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ب) مقالات

۱۵. اردستانی، حسین (۱۳۸۴)، "عوامل موثر بر شکل‌گیری نظریه سیاسی خاتمی"، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، شماره ۷، صفحه ۳۴.
۱۶. بدیعی، نعیم (۱۳۷۸)، «تحلیل گفتمان سخنان رئیس‌جمهور در سال ۱۳۷۶»، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۰۵، ص ۱۵.
۱۷. بهمنی، سجاد. عامری گلستانی، حامد و همکاران (۱۳۹۹)، «بررسی عملکرد دولت اصلاحات براساس شاخص‌های حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴۵، صص ۳۷۰-۳۸۹.
۱۸. حاضری، علی محمد (۱۳۹۰)، «گفتمان اصلاح طلبی در ایران پس از انقلاب»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره یک، ص ۳.
۱۹. حجت‌شامی، رضا، (۱۳۹۶)، «مواضع گفتمانی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره اول، ص ۱۴۳.
۲۰. خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۳)، «نهادهای سیاسی و حکمرانی، حکمرانی خوب»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. صص ۱-۳.
۲۱. دارابی، علی (۱۳۹۱)، «مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره پنجم، شماره ۱۸، ص ۸۸.
۲۲. صادقی جقه، سعید (۱۳۹۷)، «شفافیت، نظارت و کارآمدی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۴، ص ۲۱.
۲۳. عیوضی، محمد رحیم. مرزبان، نازنین (۱۳۹۵)، «بررسی مولفه‌ها حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. دوره ۵ شماره ۳، صص ۱۲۲-۱۲۶.
۲۴. قائدی، محمدرضا. گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۸۲-۵۷.
۲۵. منوریان، عباس، (۱۳۷۹)، «از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب»، فصلنامه مدیریت دولتی، تابستان و پاییز، شماره ۴۸ و ۴۹، ص ۱۱.

۲۶. مفتاح، محمدهادی. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۴)، «امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۶۸-۱۷۰.

۲۷. گرائیلی، هانیه. مطلبی، مسعود و همکاران (۱۳۹۸)، «فرهنگ سیاسی نخبگان و حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی دولت اصلاحات»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۷.

28. Weiss Thomas G(2000), "Governance. Good Governance and global governance actual :Conceptual and actual challenges". **Third World Quarterly**.

29. World bank(1994), "**Development Report**", New York:oxford university.

30. Plumpre and graham john(2000), "governance in the new millennium challenges for Canada instituteon". **Institute on governance**. www.Iog.ca

31. Stapen hurst & Mitchell o Brient(2012) "Accountability in Governance", retrieved may 12, 2012 from: <http://site resources.world bank.org>

32. Kaufmann , Daniel , Aart Kraay and Pablo Zoido-Lobaton (1991);

33. Governance Matters, Washington: **The World Bank** , Policy Research Working. Paper 2196 , October.